

رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با ادراک تعاملات اجتماعی، شخصیت خودشیفته و احساس مثبت نسبت به همسر در زوجین استفاده کننده از شبکه‌های اجتماعی

رویا رضاپور^۱

محمد مهدی ذاکری^۲

دکتر غلامحسین انتصار فومنی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با ادراک تعامل اجتماعی، خودشیفتگی و احساس مثبت نسبت به همسر در زوجین استفاده کننده از شبکه‌های اجتماعی بود. طرح پژوهش از نوع همبستگی است و جامعه آماری آن را زوجین استفاده کننده از شبکه‌های اجتماعی شهر زنجان در سال ۱۳۹۴ تشکیل داده اند. ۱۲۰ زوج که از شبکه‌های اجتماعی به صورت گسترده استفاده می کردند، به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. از پرسشنامه های محقق ساخته سنجش میزان استفاده از شبکه های اجتماعی، ادراک تعامل اجتماعی (گلاس، ۱۹۹۴)، شخصیت خودشیفته (ایمز و همکاران، ۲۰۰۶) و احساس مثبت نسبت به همسر (الیری و تورکوینز، ۱۹۸۱) استفاده شد. برای تحلیل داده ها روش همبستگی پیرسون و رگرسیون مورد استفاده قرار گرفته است. براساس یافته های پژوهش میان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با احساس مثبت نسبت به همسر و ادراک تعامل اجتماعی رابطه منفی معنادار و با خودشیفتگی رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین میان احساس مثبت نسبت به همسر با خودشیفتگی رابطه منفی معنادار و با ادراک تعامل اجتماعی رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). در مجموع شبکه های اجتماعی با تاثیرات منفی روی روابط زوجین و احساس آنها نسبت به یکدیگر و همچنین با تقویت خودشیفتگی، سبب ایجاد مشکلات ارتباطی گوناگون و کاهش احساسهای مثبت زوجین نسبت به یکدیگر می شوند.

کلیدواژگان: شبکه‌های اجتماعی، ادراک تعامل اجتماعی، احساس مثبت نسبت به همسر، خودشیفتگی

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۹

rezapurroya@gmail.com

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

zakeri.m.m21169@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

ghfoumany@yahoo.com

۳. استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران

مقدمه

ایران در آستانه ورود به جامعه اطلاعات جهانی است و شمار کاربران اینترنتی روزبه روز در حال افزایش است و بخشی عمده از این کاربران زوجین هستند. شبکه‌های اجتماعی اینترنتی طی دهه گذشته به سرعت در میان کاربران ایرانی رواج پیدا کرده‌اند و میلیون‌ها نفر در این شبکه‌ها عضویت یافته‌اند (برات دستجردی و صیادی، ۱۳۹۱)، به طوری که طبق گزارشات در سال ۱۳۹۵، سی میلیون نفر در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسانها عضو شده و این شبکه‌ها امروزه به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی اغلب کاربران خود بدل گشته‌اند (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵). هایدمن^۱ (۱۹۹۵)، به نقل از ذاکری و رضایور، (۱۳۹۶) معتقد است که شبکه‌های اجتماعی مجازی نوعی از الگوهای تماس هستند که در آنها تعاملها و ارتباطات میان عوامل شبکه‌ای از طریق یک پایگاه فنی و زیرساخت اینترنت مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد. در این گونه شبکه‌ها هدف، علاقه یا نیاز مشترک می‌تواند عنصری پیونددهنده باشد که سبب می‌شود تا عوامل مرتبط حتی بدون حضور فیزیکی احساس کنند که در یک اجتماع و جمع حقیقی قرار گرفته‌اند (بروگمن، ۲۰۰۱، ترجمه میرزایی، ۱۳۹۲). این گونه سایتها بر مبنای تشکیل اجتماعات برخط فعالیت می‌کنند و هرکدام گروههایی از کاربران اینترنت را که دارای علائق یا ویژگیهای مشترک هستند، گرد هم می‌آورند (فلاحی، عطیف و النفر، ۲۰۱۰). اینترنت و استفاده نابجا از آن موجبات به وجود آمدن معضلاتی چون اعتیاد اینترنتی، دوست‌یابی اینترنتی و جرائم سایبری شده است. پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و افزایش روز افزون وسایل ارتباطی مانند اینترنت سبب خارج شدن روابط افراد خانواده از حالت ساده چهره به چهره یا تلفنی و تغییر شکل آن در قالب شکل‌گیری روابطی پیچیده‌تر به طور غیرمستقیم شده است (کیا و نوری مرادآبادی، ۱۳۹۱). ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی هر چند دارای ابعاد مثبتی مانند گستره ارتباطات، رفع موانعی چون بعد مکان و زمان و دسترس‌پذیری تسهیل‌یافته‌تری است، اما ارتباطات انسانی را در معرض آسیبهای جدی زندگی مدرن قرار می‌دهد. در جامعه امروزی تعاملات برخط جایگزین روابط فیزیکی گشته و به طور مشهود ارتباطات رو در رو تا حد زیادی کاهش یافته است (بوید و الیسون^۲، ۲۰۰۷).

نیاز به برقراری و حفظ پیوند و روابط نزدیک با دیگران به‌عنوان انگیزه اساسی و بنیادی بشر قلمداد می‌شود (گریف، هیلدگارد و مالهرب^۳، ۲۰۰۱)، به نقل از خسروی و همکاران، (۱۳۹۰).

1. Heidemann
2. Boyd & Ellison
3. Grief, Hildgard & Malherb

ارتباط فرآیند اصلی در زناشویی است به طوری که در جوامع گوناگون، روابط زوجین ارزش بسیار دارد (الکسون^۱، ۱۹۹۳، به نقل از خسروی و همکاران، ۱۳۹۰). انسانها از تعامل و عمق بخشیدن به ارتباطات لذت می‌برند و اگر فرد قادر به تعامل بامعنا با دیگران نباشد، نتیجه آن تنهایی، افسردگی و عدم خوشحالی خواهد بود (گیبل و شین^۲، ۲۰۰۰؛ به نقل از حیدری و همکاران، ۱۳۸۴). روابط صمیمانه در واقع حکم یک رابطه درمانی را دارد که می‌تواند سکوی حمایتی و پناهگاه انسان در مقابله با دشواریهای زندگی باشد. همچنین تکامل رشد و شخصیت انسان به کمیت و کیفیت روابط او بستگی دارد که در این بین، رابطه زوجین برای آنها به عنوان منبع اصلی عاطفه و حمایت است. ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی هرچند دارای ابعاد مثبتی است اما بستر آسیبهای جدی همچون افت مهارتهای اجتماعی-زناشویی، کناره‌گیری اجتماعی و از هم‌گسیختگی روابط اجتماعی-زناشویی را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، زمانی که زوجین به اینترنت و به ویژه شبکه‌های اجتماعی وابسته می‌شوند، انگیزه‌شان برای تعامل با دیگران به ویژه همسرشان کم می‌شود که می‌تواند اثرات منفی بر ارتباط آنها با یکدیگر و تعاملات اجتماعی‌شان داشته باشد و در نهایت منجر به کناره‌گیری آنها از ارتباطات اجتماعی و بالاخره کناره‌گیری از روابط نزدیک به ویژه با همسر و به عبارتی روابط زوجی شود (ذاکری و رضاپور، ۱۳۹۶).

با گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی، شاهد اثرات آنها بر مهارتهای اجتماعی افراد و بالطبع بر روابط اجتماعی زوجین بوده‌ایم (هارجی، ساندروز و دیکسون، ۲۰۰۷، ترجمه بیگی و فیروزبخت، ۱۳۹۰)، به طوری که بر احساس مثبت نسبت به همسر نیز تاثیراتی قابل توجه به‌جا گذاشته‌اند. مونتگمری^۳ (۲۰۰۵)، به نقل از بساک‌نژاد و همکاران، (۱۳۹۱) احساس مثبت نسبت به همسر را تمایل برای شرکت در یک رابطه حمایت‌کننده و مهرآمیز، بدون از دست دادن خود در آن رابطه می‌داند که منتج به رضایت از زندگی و به‌صورت جزئی‌تر رضایت زناشویی می‌شود (کاپدخورده، پارسامنش، برومند نسب و کرمی نوروزی، ۲۰۱۴؛ خسروی و همکاران، ۱۳۹۰). رابطه طرفین با استفاده از شبکه‌های مجازی به احساس تنهایی منجر می‌شود، زیرا افراد هنگامی که به این شبکه‌ها روی می‌آورند، مجذوب این فضا می‌شوند، تعاملات آنها با دنیای واقعی کاهش می‌یابد و به این ترتیب احساس تنهایی در آنها شکل می‌گیرد و در پی آن احساسات مثبت آنها نسبت به همدیگر کم و کمتر می‌شود (ذاکری و رضاپور، ۱۳۹۶). هدف اصلی بسیاری از افراد استفاده‌کننده از

1. Alexon
2. Gabel & Shean
3. Montgomery

شبکه‌های اجتماعی مجازی، گسترش و توسعه روابط میان-فردی است و به ویژه زوجینی که مشکلات زناشویی و ارتباطی با یکدیگر دارند، از فضای این شبکه‌ها برای تسکین مشکلات خود، تقویت روابط بیرون از زندگی زناشویی و ... بهره می‌گیرند. این عوامل و عوامل دیگر در نهایت آسیبهای اساسی به روابط میان-فردی و به ویژه زناشویی زوجین وارد می‌کند. هر چه فرد زمان بیشتری را در این فضا سر کند، از میزان زمانی که صرف محیط اجتماعی، به ویژه روابط اجتماعی واقعی خود می‌کند، کاسته خواهد شد (موریسون و گور^۱، ۲۰۱۰، به نقل از مولر، گلیمزمر، برالر، ولفلینگ و بویتل^۲، ۲۰۱۴).

براساس نتایج پژوهشهای گوناگون تواناییهای اولیه ارتباطی، زمانی که توأم با خودشیفتگی می‌شوند، از بین می‌روند و حتی در درازمدت اثرات معکوس به جا می‌گذارند (پائولوس^۳، ۱۹۹۸). به گونه‌ای که در درازمدت سبب ایجاد مشکلات متعدد ارتباطی برای افراد نزدیک می‌شوند (میلر، کمبل و پیلکونیس^۴، ۲۰۰۷). خودشیفتگی نقشی اساسی را از طریق ایجاد، توسعه و محدود کردن روابط میان-فردی در زندگی افراد بازی می‌کند، از این رو به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در مدت رابطه و عمق آن محسوب می‌شود (اولتمانز^۵ و همکاران، ۲۰۰۴). خودشیفتگی در بافت روابط میان-فردی به طور مثبت با تشکیل رابطه، تمایل نسبت به تعاملات اولیه و ایجاد اعتماد به نفس اجتماعی (اولتمانز و همکاران، ۲۰۰۴؛ بروئل^۶ و همکاران، ۲۰۰۴) و به طور منفی با جست‌وجو و ایجاد روابط بلندمدت که دارای ویژگیهایی همچون نزدیکی، همدلی یا گرمی هیجانی هستند (کمبل و فاستر^۷، ۲۰۰۲) و همچنین استفاده از روابط به مثابه یک فرصت برای تقویت خود همراه است (والاس و باومایستر^۸، ۲۰۰۲). اما با وجود این، دیگران در ارتباط با افراد خودشیفته اغلب در بلندمدت به دلیل پرخاشگری آنها (بوشمن^۹ و باومایستر، ۱۹۹۸)، کنترل روانی (کمبل و فاستر، ۲۰۰۲)، بازی کردن و خیانت (کمبل و فاستر، ۲۰۰۲؛ اشمیت و باس^{۱۰}، ۲۰۰۱) و سطوح پایین تعهد و مسئولیت‌پذیری (کمبل و فاستر، ۲۰۰۲) رنج می‌برند.

1. Morrison & Gore
2. Müller, Glaesmer, Brähler, Woelfling & Beutel
3. Paulhus
4. Miller, Campbell & Pilkonis
5. Oltmanns
6. Brunell
7. Foster
8. Wallace & Baumeister
9. Bushman
10. Schmitt & Buss

افراد خودشیفته به طور منظم بر سبکهای میان-فردی کنترل‌کننده و بهره‌کشی بسیار بالا از افراد دیگر تاکید دارند. رفتارهای اهانت‌آمیز و انتقام‌گرایانه‌ای که خودشیفته‌ها دارند، میان آنها و افراد دیگر فاصله می‌اندازد. آنها تمایل دارند تا حرمت خود را با تسلط داشتن بر دیگران، عدم اعتماد به افراد دیگر، بدنام کردن دیگران و ارزش زدایی افرادی که حس برتری‌طلبی فرد را تهدید می‌کنند، افزایش دهند (اگرودنیزوک^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). افزایش محق بودن فرد خودشیفته پیامدهای مخربی در روابط میان-فردی و تعاملات اجتماعی آنها دارد (سترلان^۲، ۲۰۰۷). خودشیفتگی با ایجاد پاسخهای اجتماعی نامناسب که مانع واکنشهای همدلانه می‌شود، اثرات همدلی و سایر متغیرها را بر کیفیت روابط میان-فردی و در نتیجه تعاملات و ارتباطات اجتماعی کاهش می‌دهد. در نتیجه خودشیفتگی می‌تواند تأثیری منفی بر کیفیت روابط فرد با دیگران و اطرافیانش به ویژه همسرانشان داشته باشد (دوستی و جکسون^۳، ۲۰۰۴؛ به نقل از فیتزگبین^۴ و همکاران، ۲۰۱۰). شخص خودشیفته روی صمیمیت میان-فردی زوجین، گرمی یا دیگر نتایج مثبت رابطه بلندمدت متمرکز نیست، به عبارت دیگر خودشیفتگی به گونه‌ای منفی با جست‌وجو و ایجاد روابط بلندمدت که دارای ویژگیهای همچون نزدیکی، همدلی یا گرمی هیجانی هستند، همراه است (برونل و همکاران، ۲۰۰۴؛ کمبل و فاستر، ۲۰۰۲). با توجه به ویژگیهای افراد خودشیفته مبنی بر نیاز فراوان به توجه از سوی دیگران، نگرانی زیاد در مورد ظاهر خویش و ایجاد یک خودانگاره اغراق‌آمیز مثبت، آنان شبکه‌های اجتماعی را فضایی امن برای بروز ویژگیها و ارضای نیازهای خویش می‌بینند و در این فضاها به فعالیت بیشتر می‌پردازند (بایی^۵ و همکاران، ۲۰۰۸)، زیرا شبکه‌های آنلاین بستری مناسب و ویژه برای افراد خودشیفته برای خودتنظیمی از طریق ارتباطات اجتماعی فراهم می‌کنند و در نتیجه عملکردی بهتر در زمینه خودنمایی کردن (برخلاف تعهد و احساس هیجانی عمیق) در روابط دارند. وابستگی به این شبکه‌ها سبب روی‌گردانی زوجین از ارتباط با یکدیگر می‌شود، به طوری که بخش اعظمی از وقت خود را در این گونه شبکه‌ها می‌گذرانند و اینکه حضور در چنین شبکه‌هایی و دریافت حمایت‌های اجتماعی از دوستان مجازی به نوعی تکبر و خودبینی و خودشیفتگی را در فرد به صورت کاذب بالا می‌برد که این موضوع مطمئناً تأثیرات مخرب بر روابط میان زوجین به جا می‌گذارد (به نقل از ذاکری و رضاپور، ۱۳۹۶).

1. Ogrodniczuk
2. Strelan
3. Decety & Jackson
4. Fitzgibbon
5. Bybee

پدیده‌های ارتباطی و تحولات سریع اطلاعات و فناوری، به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی که تغییرات فرهنگی را به همراه دارند، توانسته اند طرحها، ایده‌ها، مدها، شیوه‌ها و ارزشهای تازه‌ای را جایگزین الگوهای قدیمی در خانواده‌های امروزی کنند. یکی از پیامدهای آسیب‌زای شبکه‌های اجتماعی، ایجاد بحران هویت در خانواده با تغییرات اساسی در ارزشهای حاکم بر خانواده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب بروز آسیبهای گسترده در حوزه‌های گوناگون به‌ویژه خانواده‌ها و زوجین شده اند که از میان آنها می‌توان به ارائه هویت کاذب به دلیل عدم پذیرش هویت فعلی، میل به محبوبیت و خودشیفتگی، تنهایی در عین داشتن ارتباط با دیگران، اتلاف وقت زیاد، افت عملکرد شغلی یا آموزشی، احساس نا آرامی، بدخلقی، افسردگی یا زودرنجی، بازماندن از تعاملهای اجتماعی، گرفتار شدن به مشکلات شخصی، آموزشی یا شغلی، افزایش روحیه پر خاشگرانه، کاهش تعاملهای عمیق اجتماعی، افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی، ایجاد تغییر در دیدگاههای اجتماعی، پنهان‌کاری، تزلزل زندگی زناشویی، بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت و ایجاد ناراضیتهای خانوادگی اشاره کرد (منطقی، ۱۳۸۶؛ زنجانی، ۱۳۸۴، به نقل از ذاکری و رضاپور، ۱۳۹۶).

ورود اینترنت به حریم خانواده سبب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها شده است. یکی از دلایل اصلی بروز مشکلات خانوادگی و اصولاً نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی است که تحت تأثیر تولیدات رسانه‌ای به وجود آمده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی به منزله بسترهای جدید روابط میان-فردی، تاثیراتی قابل توجه بر زندگی خانوادگی، روابط میان افراد خانواده و به‌ویژه روابط میان زوجین گذاشته و این روابط را دستخوش تحولات و تغییرات ژرف کرده‌اند، تا جایی که بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره زوجین تلقی می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهند که میزان گرایش زوجین به استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی ۷۸/۵ درصد است. ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی هرچند دارای ابعادی مثبت مانند گستردگی ارتباطات، فراتر از مکان و زمان بودن و دسترس‌پذیری تسهیل‌یافته‌تر است، اما ارتباطات انسانی، به ویژه ارتباط زوجین را در معرض بروز آسیبهای جدی قرار داده است، به گونه‌ای که تعاملات آنلاین جایگزین روابط فیزیکی شده و در نتیجه ارتباطات رودررو به طور چشمگیری کاهش یافته است. استفاده بیش‌ازحد از شبکه‌های اجتماعی تمایل زوجین را برای برقراری ارتباط با یکدیگر کاهش می‌دهد. در کنار این عوامل، حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب نوعی اعتماد به نفس کاذب و درک نامناسب از روابط اجتماعی واقعی می‌شود که آن هم، اثرات منفی بر ارتباط آنها با یکدیگر و تعاملات

اجتماعی‌شان می‌گذارد. رشد و تکامل شخصیت انسان به کم و کیف روابط او بستگی دارد و روابط صمیمانه درواقع حکم یک رابطه درمانی را دارد که می‌تواند سکوی حمایتی و پناهگاه انسان در مقابله با دشواریهای زندگی باشد. رابطه زوجین نیز منبع اصلی عاطفه و حمایت برای آنها است. به دلیل فقدان پیشینه پژوهش در زمینه تاثیر استفاده از شبکه‌های مجازی و با توجه به اهمیت روابط میان زوجین و تأثیرات گسترده شبکه‌های اجتماعی بر این روابط، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش بوده که نقش شبکه‌های اجتماعی در خودشیفتگی، ادراک تعاملات اجتماعی و احساس مثبت نسبت به همسر زوجین استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی چیست.

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و جامعه آماری آن را زوجین استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی شهر زنجان در دو ماه آخر پاییز سال ۱۳۹۴ تشکیل داده اند که به صورت گسترده از آن شبکه‌ها استفاده می‌کردند. دلاور (۱۳۹۴) معتقد است در تحقیقات همبستگی به ازای هر متغیر ۲۰-۳۰ نفر نمونه می‌توان انتخاب نمود، لذا با توجه به متغیرهای مورد بررسی (جمعاً ۴ متغیر)، ۱۲۰ زوج (۲۴۰ نفر) از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

ابزارهایی که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از:

۱. پرسشنامه سنجش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی: با توجه به فقدان پرسشنامه در حوزه سنجش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، پژوهشگران با استفاده از گویه‌های پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ (۱۹۹۸)، اقدام به طراحی پرسشنامه برای سنجش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی نمودند. در مرحله اول، سوالات طراحی شده برای ارزیابی روایی صوری و روایی محتوایی در اختیار چند نفر از متخصصان و اساتید قرار گرفت. پرسشنامه پس از اعمال پیشنهادها و نظریه‌های اصلاحی متخصصان یاد شده مورد بازنگری قرار گرفت. در مرحله بعد، پرسشنامه اصلاح شده در اختیار ۲۰ نفر قرار داده شد. همبستگی میان نمرات این پرسشنامه و پرسشنامه یانگ، بیانگر روایی همگرایی مناسب میان پرسشنامه مذکور با پرسشنامه یانگ بود (۰/۸۱). در مرحله سوم، پایایی پرسشنامه با روش آزمون-آزمون مجدد روی ۲۰ نفر و تکرار آن در فاصله دو هفته، ۰/۷۶ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسشنامه مذکور است.

۲. پرسشنامه ادراک تعامل اجتماعی: ^۱ پرسشنامه ادراک تعامل اجتماعی (گلاس، ۱۹۹۴؛ به نقل از یزدخواستی، ۲۰۱۱) یک پرسشنامه خود-گزارش‌دهی است که به منظور ارزیابی دو عامل افکار مثبت و منفی نسبت به تعامل‌های اجتماعی به کار می‌رود. این پرسشنامه شامل ۳۰ سوال است که بر پایه مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت ارزیابی می‌شود. در این پرسشنامه سؤالات ۲، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۴، ۲۵، ۲۷ و ۲۸ دارای نمره‌گذاری معکوس اند. هادیان (۱۳۸۷؛ به نقل از یزدخواستی، ۱۳۸۹) اعتبار این پرسشنامه را برابر با ۰/۷۳ گزارش کرده است. در مطالعه حاضر پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۶۹ به دست آمد.

۳. پرسشنامه شخصیت خودشیفته ۱۶ گویه‌ای (NPI-16): ^۲ نسخه کوتاه شده پرسشنامه ۴۰ گویه‌ای شخصیت خودشیفته است که ایمز، روز و آندرسون ^۳ (۲۰۰۶) آن را به منظور سنجش ویژگی‌های مرتبط با شخصیت خودشیفته در جمعیت بالینی ساخته اند. این پرسشنامه را برای نخستین بار محمد زاده (۱۳۸۸) در ایران اعتباریابی کرده است. هر ماده این پرسشنامه شامل دو گزاره مخالف است که هر فرد بایستی یکی از آنها را انتخاب کند. نمره کلی این پرسشنامه میان صفر تا ۱۶ است. در این پرسشنامه نمره‌گذاری معکوس وجود ندارد. بر اساس گزارش ایمز و همکاران (۲۰۰۶) ضریب پایایی بازآزمایی در طول ۵ هفته ۰/۸۹ و ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه شخصیت خودشیفته ۰/۸۵ گزارش شده است. ایمز و همکاران (۲۰۰۶) ضریب روایی همگرا برای این پرسشنامه را از طریق محاسبه ضریب همبستگی میان نمرات NPI-16 و نمرات حاصل از شاخصهای برون‌گرایی و گشودگی نسبت به تجارب جدید مقیاس ۵ عامل بزرگ شخصیت (BFI) محاسبه کرده‌اند و این ضرایب برای شاخصهای برون‌گرایی ۰/۳۲ و برای گشودگی نسبت به تجارب جدید ۰/۴۱ محاسبه شده است. زرگر و همکاران (۱۳۸۹) پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۷ گزارش کرده اند و روایی آن را از طریق اجرای هم‌زمان آن با پرسشنامه شخصیت خودشیفته ۴۰ آیتمی محاسبه نمودند که ضریب همبستگی میان این دو پرسشنامه $r=0/61$ ($p<0/10$) بود. در مطالعه حاضر پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد.

۴. پرسشنامه احساس مثبت نسبت به همسر: ^۴ این پرسشنامه دارای ۱۷ سؤال برای اندازه‌گیری احساسهای مثبت فرد نسبت به همسر خود است که در سال ۱۹۷۵ در کلینیک زوج‌درمانی دانشگاه

1. Perception of Social Interactions Questionnaire

2. Narcissistic Personality Inventory (NPI-16)

3. Ames, Rose & Anderson

4. Positive Feelings Questionnaire

ایالتی نیویورک در دو بخش ساخته شده است. در بخش اول (شامل ۸ سؤال) از آزمودنی خواسته می‌شود احساس کلی خود نسبت به همسرش را در طول چندماه گذشته با اعداد ۱ (برای احساس شدیداً منفی) تا ۷ (برای احساس شدیداً مثبت) مشخص کند. در بخش دوم (شامل ۹ عبارت)، آزمودنی بر پایه احساس کلی خود نسبت به هر عبارت یکی از اعداد ۱ تا ۷ را مشخص می‌کند. پایایی پرسشنامه از طریق آزمون مجدد با فاصله ۱ تا ۳ هفته ۰/۹۳ و ضریب همبستگی آن با سازگاری زناشویی ۰/۷ با $p < ۰/۰۰۱$ گزارش شده است (البری و تورکویتز، ۱۹۸۱). این پرسشنامه را مظاهری و پوراعتماد (۱۳۸۰) با روش ترجمه و ترجمه مجدد به فارسی برگردانده‌اند که همسانی درونی آن برابر با ۰/۸۹ گزارش شده است. در مطالعه حاضر پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد.

یافته‌ها

در جدول ۱ به ترتیب اطلاعات آزمودنی‌ها در متغیرهای جمعیت شناختی تحصیلات و وضعیت اشتغال ارائه شده است. میانگین و انحراف معیار سن آزمودنی‌ها برای مردان به ترتیب ۳۵/۵۵ و ۷/۶۴ و برای زنان نیز به ترتیب ۳۱/۶۱ و ۶/۸۶ بود.

جدول ۱: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس تحصیلات و وضعیت اشتغال

متغیر	گروه مردان فراوانی (درصد)	گروه زنان فراوانی (درصد)	جمع
تحصیلات	زیر دیپلم	۹ (۷/۵)	۱۳ (۵/۴۱)
	دیپلم	۱۹ (۱۵/۸)	۴۴ (۱۸/۳۴)
	کاردانی	۲۷ (۲۲/۵)	۴۸ (۲۰)
	کارشناسی	۴۶ (۳۸/۳)	۱۰۴ (۴۳/۳۴)
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۹ (۱۵/۸)	۳۱ (۱۲/۹۱)
وضعیت اشتغال	کل	۱۲۰ (۱۰۰)	۲۴۰ (۱۰۰)
	دولتی	۴۶ (۳۸/۳)	۷۲ (۳۰)
	آزاد	۷۳ (۶۰/۸)	۸۹ (۳۷/۰۸)
	خانه‌دار	۱ (۰/۸)	۷۹ (۳۲/۹۲)
	کل	۱۲۰ (۱۰۰)	۲۴۰ (۱۰۰)

در جدول ۲، اطلاعات مربوط به نمرات آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲: میانگین، انحراف معیار، حداقل، حداکثر، چولگی و کشیدگی نمرات آزمودنیها در متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	زنان	۱۲۰	۴۳/۶۴	۱۵/۱۳	۲۰	۸۶
	مردان	۱۲۰	۴۱/۳۴	۱۴/۲	۲۰	۷۹
احساس مثبت نسبت به همسر	زنان	۱۲۰	۱۰۱/۲۴	۱۷/۳۵	۳۴	۱۱۹
	مردان	۱۲۰	۹۹/۶۱	۱۸/۵۵	۳۸	۱۱۹
خودشیفتگی	زنان	۱۲۰	۶/۲۱	۳/۸	۰	۱۵
	مردان	۱۲۰	۶/۴۸	۳/۷	۰	۱۴
ادراک تعامل اجتماعی	زنان	۱۲۰	۱۰۳/۵	۱۱/۹۷	۷۵	۱۳۴
	مردان	۱۲۰	۱۰۵/۹۵	۱۱/۵۳	۷۶	۱۳۷

جدول ۳: داده‌های مربوط به نرمال بودن توزیع داده‌ها و همگنی واریانسها در متغیرهای پژوهش

متغیرها	آزمون کولموگروف-اسمیرنوف		آزمون لوین	
	آماره آزمون	Sig	آماره آزمون	Sig
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۰/۹۵	۰/۱۲	۰/۵۹	۰/۴۴
احساس مثبت نسبت به همسر	۱/۳۲	۰/۰۶۲	۲/۷۲	۰/۱
خودشیفتگی	۱/۱۷	۰/۰۷۵	۰/۰۰	۰/۹۹
ادراک تعامل اجتماعی	۰/۰۴۷	۰/۲	۰/۲۰۳	۰/۶۵

با توجه به داده‌های جدول ۳، فرض نرمال بودن توزیع داده‌های حاصل از متغیرهای پژوهش برآورده شد. همچنین فرض همگنی واریانسها به‌عنوان یکی از پیش‌فرضهای استفاده از آزمون‌های پارامتریک برآورده شده است ($P > ۰/۰۵$).

جدول ۴: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	استفاده از شبکه‌های اجتماعی	احساس مثبت نسبت به همسر	خودشیفتگی	ادراک تعامل اجتماعی
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۱			
احساس مثبت نسبت به همسر	۰/۴۰۹**	۱		
خودشیفتگی	۰/۳۸۷**	۰/۳۰۳**	۱	
ادراک تعامل اجتماعی	۰/۳۳۳**	۰/۲۴۲**	۰/۱۰۸	۱

** $P < ۰/۰۱$

در جدول ۴ اطلاعات مربوط به رابطه متغیرها ارائه شده است. به‌منظور بررسی معناداری رابطه میان میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با احساس مثبت نسبت به همسر، خودشیفتگی و ادراک تعامل اجتماعی از آزمون معناداری ضریب همبستگی استفاده شده که همه همبستگیها (به‌استثنای رابطه متغیرهای خودشیفتگی و ادراک تعامل اجتماعی) در سطح ۰/۰۱ درصد معنادارند ($P < ۰/۰۱$).

جدول ۵: نتایج رگرسیون به روش همزمان برای پیش‌بینی متغیرهای احساس مثبت نسبت به همسر، خودشیفتگی و ادراک

تعامل اجتماعی بر اساس میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضریب رگرسیون b	SE	ضریب رگرسیون β	T	Sig
میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	احساس مثبت نسبت به همسر	۰/۳۳۵	۰/۰۴۸	۰/۴۰۹	۶/۹۱۹	۰/۰۰۱
میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	خودشیفتگی	۱/۵۱۹	۰/۲۳۵	۰/۳۸۷	۶/۴۷۱	۰/۰۰۱
میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	ادراک تعامل اجتماعی	۰/۴۰۲	۰/۰۷۶	۰/۳۲۳	۵/۲۶	۰/۰۰۱

در پژوهش حاضر، مقدار ضریب همبستگی میان دو متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و احساس مثبت نسبت به همسر ($r=0/409$) و میزان R^2 برابر با $0/167$ به دست آمد، یعنی میزان $0/167$ احساس مثبت نسبت به همسر از طریق میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی قابل تبیین است. به منظور بررسی معناداری ضریب همبستگی به دست آمده، نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که میزان F مشاهده شده معنادار است ($F(239,1)=47/87, p<0/001$). مقدار ضریب همبستگی میان دو متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و خودشیفتگی ($r=0/387$) و میزان R^2 برابر با $0/15$ به دست آمد، یعنی میزان $0/15$ خودشیفتگی از طریق میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی قابل تبیین است. به منظور بررسی معناداری ضریب همبستگی به دست آمده، نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که میزان F مشاهده شده معنادار است ($F(239,1)=41/87, p<0/001$). همچنین مقدار ضریب همبستگی میان دو متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ادراک تعامل اجتماعی ($r=0/323$) و میزان R^2 برابر با $0/104$ به دست آمده، یعنی میزان $0/104$ ادراک تعامل اجتماعی از طریق میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی قابل تبیین است. به منظور بررسی معناداری ضریب همبستگی به دست آمده، نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که میزان F مشاهده شده معنادار است ($F(239,1)=27/67, p<0/001$). به طور کلی متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی قادر به پیش‌بینی سه متغیر احساس مثبت نسبت به همسر، خودشیفتگی و ادراک تعامل اجتماعی است.

بحث و نتیجه‌گیری

شبکه‌های اجتماعی نقشی مؤثر در دنیای امروز دارند و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. این شبکه‌ها بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد به ویژه زوجین تأثیری همه جانبه گذاشته‌اند. با توجه به اطلاعات موجود، میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ادراک تعاملات اجتماعی در زوجین استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی در شهر زنجان رابطه معنادار منفی وجود داشت. نتایج پژوهش حاضر همسو با مطالعات الیسون^۱ و همکاران (۲۰۰۷) است. آنها در پژوهش

1. Ellison

خود دریافتند که هر چند ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی دارای ابعادی مثبت مانند گستره ارتباطات، رفع موانعی چون بعد مکان و زمان و دسترس‌پذیری تسهیل‌یافته‌تری است، اما تعاملات انسانی را در معرض آسیبهای جدی زندگی مدرن قرار می‌دهد. در جامعه امروزی تعاملات برخط جایگزین روابط فیزیکی شده و به‌طور مشخص ارتباطات رودررو تا حد زیاد کاهش یافته است. این نتایج همچنین با مطالعهٔ توسلی و امانی (۱۳۹۱) همسوست. آنان دریافتند که میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان تعارض زناشویی رابطه وجود دارد و بیشترین آسیب در حوزه روابط جنسی و کمترین آسیب در تنظیم امور مالی است. از این رو حوزه‌هایی که درگیر مستقیم با تعامل اند، بیشتر آسیب می‌بینند و با پژوهش لارسن، لاوسون و تاد^۱ (۲۰۰۹) ناهمسو است. آنها در مطالعات خود دریافت که تعامل در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به تکرار و حفظ دوستیها کمک کند.

نتایج نشان می‌دهند که با افزایش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، میزان ادراک تعاملات اجتماعی در زوجین زنجان کاهش پیدا می‌کند. رسانه‌های اجتماعی همچون شبکه‌های اجتماعی جا پای رسانه‌های جمعی همچون صداوسیما قرار داده‌اند و امروزه مخاطبان در رسانه‌های اجتماعی و در پی آن شبکه‌های اجتماعی بیشتر حضور دارند و تعاملاتی سریع‌تر نسبت به رسانه‌های جمعی دارند. تعامل در شبکه‌ها می‌تواند به تکرار و حفظ دوستیها کمک کند. این در حالی است که پژوهشهای کرکوف، فینکنائور و موزس^۲ (۲۰۱۱) و هوانگ^۳ و همکاران (۲۰۰۹) نشان داده است که میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان تعارض زناشویی رابطه وجود دارد، لذا حوزه‌هایی که درگیر مستقیم با تعامل اند، بیشتر آسیب می‌بینند. در شهرهایی مانند زنجان که دارای ساختار و بافت فرهنگی سنتی است و در حال گذار به سمت مدرنیته است، وقتی که زوجین در فضای خصوصی خود قرار می‌گیرند باید در مورد امور گوناگون تصمیم‌گیری کنند. قرار گرفتن آنها در این جایگاه، خواسته‌ها و نظرات متفاوتی ایجاد می‌کند که باید حل شود. تصمیمات گرفته‌شده از سوی زوجین کیفیت و قدرت رابطه زوجین را تعیین می‌کند که گاهی به دلیل اختلافها یا انتظارات مدیریتی نشده، کیفیت رابطه پایین می‌آید و رضایتمندی افت می‌کند. بنابراین هدف اصلی بسیاری از افراد استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، گسترش و توسعهٔ روابط میان-فردی است؛ به‌ویژه زوجینی که مشکلات زناشویی و ارتباطی با یکدیگر دارند، از فضای این شبکه‌ها برای تسکین مشکلات خود، تقویت روابط بیرون از زندگی زناشویی و ... بهره می‌گیرند

1. Larsen, Lawson & Todd

2. Kerkhof, Finkenauer & Muusses

3. Huang

که این عوامل و عوامل دیگر در نهایت آسیبهای اساسی به روابط میان- فردی و به‌ویژه زناشویی زوجین می‌رساند.

میان دو متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی با خودشیفتگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات مور و مک‌الروی^۱ (۲۰۱۲)، اسمک^۲ و همکاران (۲۰۱۱)، رایان و زنوس^۳ (۲۰۱۱) و راس^۴ و همکاران (۲۰۰۸) همسو است. آنان در پژوهشهای خود به این نتیجه دست یافتند که رابطه ای معنادار میان صفات شخصیتی به ویژه خودشیفتگی با استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی وجود دارد به این صورت که فضای شبکه‌های اجتماعی عرصه‌ای برای برآوردن نیازهای خودشیفتگی افراد خودشیفته فراهم می‌کند. نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعات هیوز^۵ و همکاران (۲۰۱۲) و آمیچای-هامبورگر و وینیتسکی^۶ (۲۰۱۰) نیز همسوست. آنان دریافتند که شخص خودشیفته روی صمیمیت میان- فردی، گرمی روابط یا دیگر نتایج مثبت رابطه بلندمدت متمرکز نیست، درحالی‌که هم در آغاز کردن روابط و هم در بهره‌گیری از روابط برای شهرت و موفقیت و قرار گرفتن در شرایط عالی در کوتاه‌مدت بسیار ماهر است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که با افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی، میزان خودشیفتگی در میان زوجینی که زیاد از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند، افزایش پیدا می‌کند. خودشیفتگی با میزان بالایی از برون‌گرایی و سطوح پایینی از توافق و همدلی همراه است که سبب می‌شود افراد خودشیفته تمایل بسیار برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی و در پی آن روابط اجتماعی به مثابه محلی برای تنظیم عزت‌نفس، خودپنداره مثبت یا اعتمادبه‌نفس استفاده کنند. با توجه به جو در حال گذار جامعه زنجان به سوی مدرنیته، شبکه‌های اجتماعی، فضایی مناسب برای تقویت خودشیفتگی افرادی را فراهم می‌کنند که سابقاً با ارزشهای سنتی و در محیطهای کوچک‌تر رشد کرده اند. خودشیفتگی در یک شبکه اجتماعی مجازی به این صورت کار می‌کند که شبکه‌های برخط ممکن است زمینه مناسب ویژه‌ای را برای افراد خودشیفته برای خودتنظیمی از طریق ارتباطات اجتماعی برای دو دلیل فراهم کنند. اولاً، افراد خودشیفته عملکردی بهتر در زمینه خودنمایی کردن (برخلاف تعهد و احساس هیجانی عمیق) در روابط دارند. وب‌سایتهای شبکه‌های اجتماعی اساس روابط دوستی را با بسیاری از افراد فراهم می‌کنند. بدیهی است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای

1. Moore & McElroy

2. Smock

3. Ryan & Xenos

4. Russ

5. Hughes

6. Amichai-Hamburger & Vinitzky

حفظ روابط عمیق‌تر مناسب است، اما اغلب واقعیت، توانایی حفظ تعداد زیادی از روابط است. ثانیاً وب‌سایت‌های شبکه اجتماعی محیط‌هایی به‌شدت کنترل‌شده‌اند. صاحبان آنها، قدرتی کامل برای ارائه خود در صفحات وب دارند. به خلاف سایر زمینه‌های اجتماعی، فرد می‌تواند از صفحات شخصی وب برای انتخاب عکسهای جذاب برای خود یا ارسال و نوشتن مطالبی در مورد خود استفاده کند که سبب گسترش اطلاعات فرد می‌شود.

تحقیقات پیشین مانند پژوهشهای مور و مک‌الروی (۲۰۱۲) و اسمک و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهند که افراد خودشیفته متظاهر و مشتاق در مورد خود صحبت می‌کنند و عزت‌نفس‌شان را از جامعه به دست می‌آورند. از سویی صفحات وب شخصی به منزله فرصتی برای ارتقای خود هستند. به‌طورکلی شبکه‌های اجتماعی امکان بسیار برای ارتقای خود و افزایش غرور از طریق توصیف خود در اطلاعات و تصاویر و همچنین از طریق روابط دوستانه ارائه می‌دهند که هرکدام به طور بالقوه در ارتباط با خودشیفتگی هستند. توانایی‌های اولیه ارتباطی در زمینه خودشیفتگی از بین می‌روند و حتی در درازمدت اثر معکوس می‌گذارند و عطش توجه، اطمینان افراطی به خود، فقدان همدلی، پرخاشگری و ناسازگاری اجتماعی برخی از پیامدهای منفی خودشیفتگی را تشکیل می‌دهند (والاس و بومایستر، ۲۰۰۲). بالا بودن میزان خودشیفتگی فرد سبب می‌شود تا در تعاملات اجتماعی خود با مشکلات اساسی مواجه شود. به طور کلی بالا بودن خودشیفتگی منجر به آسیبهای اساسی در تعاملات اجتماعی به ویژه در رابطه متقابل زن و شوهر می‌شود. خودشیفته‌ها برای تنظیم حرمت خود از مکانیسمهای درون-شخصی و راهبردهای میان-شخصی بهره می‌گیرند. به عبارت دیگر روابط میان-شخصی که از فرامن نابالغ خودشیفته شکل می‌گیرد، با بهره‌کشی، مزاحمت و عدم اعتماد به دیگران به ویژه افراد نزدیک مشخص می‌شود. افزایش محق بودن فرد خودشیفته پیامدهایی مخرب در روابط میان-فردی و تعاملات اجتماعی آنها دارد. خودشیفتگی با ایجاد پاسخهای اجتماعی نامناسب، مانع واکنشهای همدلانه می‌شود و اثرات همدلی و سایر متغیرها را بر کیفیت روابط میان-شخصی و در نتیجه تعاملات و ارتباطات اجتماعی کاهش می‌دهد و افراد خودشیفته را با خطاهای میان-شخصی بسیاری در زندگی روزمره مواجه می‌سازد. با توجه به این عوامل، خودشیفتگی می‌تواند تأثیری منفی بر کیفیت روابط میان-شخصی فرد با دیگران به‌ویژه اطرافیان و همسرش داشته باشد.

میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با احساس مثبت نسبت به همسر در زوجین استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. نتیجه حاضر با پژوهشهای ایسن و ریو^۱ (۲۰۰۵)، خسروی و همکاران (۱۳۹۰) و خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۴) همسوست. آنان دریافتند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت سبب کاهش احساس مثبت افراد نسبت به همدیگر به ویژه در میان زوجین می‌شود و با نتایج پژوهش گیل^۲ و همکاران (۲۰۰۴) که دریافتند استفاده از شبکه‌های اجتماعی تاثیری در احساس مثبت افراد نسبت به یکدیگر ندارد، ناهمسوست. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، زوجینی که به‌طور مداوم و گسترده از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، احساس مثبت‌شان به یکدیگر کاهش پیدا می‌کند و روند احساس منفی پیدا می‌کند (دوستی و محقق، ۱۳۹۴).

تحقیقات بوید و الیسون (۲۰۰۷) و توسلی و امانی (۱۳۹۱) نشان داده است که استفاده بیش‌ازحد از اینترنت و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی می‌تواند زمینه تخریب سلامت روابط و احساسات را فراهم کند. از هم گسیختگی روابط اجتماعی از ویژگیهای اصلی استفاده مفرط از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است. به‌عبارت‌دیگر، یکی از عوامل مهمی که در زوجین تغییر ایجاد می‌کند و منجر به کناره‌گیری آنها از ارتباط اجتماعی و بالاخره کناره‌گیری از روابط نزدیک به‌ویژه با همسر می‌شود، استفاده زیاد از شبکه‌های اجتماعی مجازی است. افراد هنگامی که به شبکه‌های مجازی روی می‌آورند، مجذوب این فضا می‌شوند، تعاملات آنها با دنیای واقعی کاهش می‌یابد، از این رو احساس تنهایی در آنها شکل می‌گیرد و احساسات مثبت آنها نسبت به هم کم و کمتر می‌شود. این در حالی است که ارتباط فرآیند اصلی زناشویی است و عبارت است از فرآیندی که زن و شوهر به صورت کلامی و غیرکلامی در قالب گوش‌دادن، مکث کردن و حالت چهره با یکدیگر به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند. موضوع برقراری ارتباطات در روابط زناشویی به‌قدری مهم است که بیش از ۹۰ درصد زوجین آشفته ناتوانی در برقراری ارتباط را به‌عنوان مسئله ای مهم در روابط خود مطرح کرده‌اند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۴).

شبکه‌های اجتماعی با فراهم آوردن امکان گذشتن از خطوط قرمز با حفظ گمنامی افراد، سبب پرورش یافتن نیازهای مادی انسان به جای نیازهای معنوی والا و بروز انحرافهای فکری، فرهنگی، ارزشی و تعدی به حریم خصوصی دیگران و در نتیجه تزلزل و انحراف جامعه و خانواده و ایجاد احساس ناامنی اجتماعی و عدم تحقق‌پذیری اهداف و مقاصد کشور خواهند شد. با توجه به

1. Isen & Reeve

2. Gable

نتایجی که برابر مستندات و تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصله در حوزه شهر زنجان به دست آمده است، می‌توان گفت دلایلی همچون عدم تناسب و ناهمگونی فرهنگی و اجتماعی مردم زنجان با فرهنگ وارداتی غربی شبکه‌های اجتماعی، عدم آموزش و آگاهی کافی در زمینه نحوه برخورد و استفاده از این شبکه‌ها، عدم تناسب سن و جنسیت افراد با نوع و میزان دسترسی اطلاعات، سبب بروز ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی شده است. به گونه ای که هر چقدر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی غیربومی بیشتر شود، سلامت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی پایین‌تر می‌آید و از طرفی پایه‌های روابط زوجین و اعضای خانواده متزلزل می‌شود.

گسترش و توسعه فضاهای اینترنتی، به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی و همچنین استفاده زیاد از این شبکه‌ها از سوی عموم افراد جامعه و به‌ویژه زوجین و اثرات آن بر حوزه‌های گوناگون زندگی زوجین نشان می‌دهد افزایش استفاده از این شبکه‌ها سبب مسائل و مشکلات متعدد در روابط میان-فردی زوجین شده، مشکلات ارتباطی خود منجر به مسائل گوناگونی مانند تعارضات زناشویی و کاهش احساسهای مثبت زوجین به یکدیگر می‌شود. همچنین وابستگی به این شبکه‌ها سبب رویگردانی زوجین از ارتباط با یکدیگر می‌شود، به طوری که آنها بخش اعظمی از وقت خود را در این‌گونه شبکه‌ها می‌گذرانند و اینکه حضور در چنین شبکه‌هایی و دریافت حمایت‌های اجتماعی از دوستان مجازی به‌نوعی تکبر و خودبینی و خودشیفتگی کاذب در فرد ایجاد می‌کند که تأثیرات مخرب بر روابط میان زوجین می‌گذارد. این امر با توجه به وجود ارزشهای سنتی در شهرهایی مانند زنجان و تقابل ارزشهای قدیم و جدید، مشکلات بسیار در زندگی و روابط زوجین به وجود می‌آورد. به طور خلاصه می‌توان بیان کرد که شبکه‌های اجتماعی تأثیری مستقیم بر ادراک تعاملات اجتماعی، احساس مثبت نسبت به همسر و خودشیفتگی در میان زوجین استفاده‌کننده از این شبکه‌ها می‌گذارند. همچنین ادراک تعامل اجتماعی و خودشیفتگی نیز نقشی مؤثر در ایجاد اثرات ژرف بر احساس مثبت نسبت به همسر در زوجین دارد. به عبارت دیگر، استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم (از طریق اعمال اثرات بر متغیرهایی همچون ادراک تعاملات اجتماعی و خودشیفتگی) بر احساس مثبت زوجین نسبت به یکدیگر اثر بگذارد.

پیشنهاد می‌شود کلاسهای آموزشی و عملی در زمینه آشنایی با آسیبهای شبکه‌های اجتماعی مجازی در روابط زناشویی، خانوادگی، شغلی و ... به ویژه احساس زوجین نسبت به یکدیگر و شیوه‌های بهره‌گیری مناسب از ظرفیتهای این شبکه‌ها برگزار شود. از آنجایی که میان ادراک

تعاملات اجتماعی و احساس مثبت نسبت به همسر با خودشیفتگی رابطه منفی وجود دارد و همچنین با توجه به اثرات منفی خودشیفتگی بر روابط میان زوجین، پیشنهاد می‌شود کارگاههای آموزشی در زمینه شناخت الگوهای خودشیفتگی و تأثیرات آن بر زندگی زناشویی به‌ویژه تعاملات میان آنان و احساس مثبت آنها به یکدیگر برای زوجین ارائه شود. همچنین پیشنهاد می‌شود دوره‌هایی برای ارتقای سواد رسانه‌ای افراد جامعه در استفاده از بایدها و نبایدها و هنجارها و ناهنجاریهای بارگذاری شده در شبکه‌های اجتماعی مجازی و نیز ارتقای سطح آگاهی شهروندان، از سوی نهادها و سازمانهای مرتبط با امور آموزشی- فرهنگی برگزار گردد.

همچنین با توجه به نوپا بودن شبکه‌های اجتماعی در جامعه، پیشنهاد می‌شود که نهادهای مرتبط همچون وزارت ورزش و جوانان و سایر نهادهای فرهنگی در زمینه پیشگیری از آسیبهای ناشی از این شبکه‌ها اقدامات فرهنگی و ایجابی گسترده همچون فعالیتهای آموزشی و تبلیغی در راستای آشنایی افراد به ویژه زوجین با مضرات استفاده از این شبکه‌ها داشته باشند. همچنین تلاش در جهت ایجاد جایگزینی برای این شبکه‌ها که با مختصات فرهنگی و دینی جامعه ما سازگار باشد و امکان کنترل و نظارت بیشتری بر آن باشد و از نظر محتوایی و ساختاری سالم بوده و جذابیت بالایی داشته باشد تا بتواند با نمونه‌های غربی رقابت کند، ضروری به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، برگزاری کارگاههای آموزشی در زمینه استفاده مناسب از شبکه‌های اجتماعی و شناخت تأثیرات منفی آن و همچنین تلاش در جهت ایجاد جایگزین مناسب فرهنگی، محتوایی و ساختاری برای این شبکه‌ها می‌تواند از آسیبهای احتمالی پیشگیری و آنها را مدیریت کند.

منابع

- برات دستجردی، نگین و صیادی، سمیه. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر اعتیاد به اینترنت و افسردگی در دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور شهر اصفهان. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۰(۵)، ۳۳۲-۳۴۱.
- بروگمن، ییرون. (۲۰۰۱). *درآمدی بر شبکه‌های اجتماعی*، ترجمه خلیل میرزایی، ۱۳۹۲. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- بساک نژاد، سودابه؛ یعقوبی عسگرآباد، اسماعیل و اردمه، علی. (۱۳۹۱). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی با احساسات مثبت نسبت به همسر در کارکنان متاهل دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز. *مجله اندیشه و راهبردهای زن و خانواده*، ۴(۲)، ۳۸-۴۶.
- توسلی، غلامعباس و امانی کلاریجانی، امراه. (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی (سرمایه اجتماعی شبکه). *مجله مدیریت فرهنگی*، ۶(۱۷)، ۵۵-۷۰.
- حیدری، محمود؛ مظاهری، محمدعلی و پوراعتماد، حمیدرضا. (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱(۲)، ۱۲۱-۱۳۰.
- خبرگزاری مهر. (۱۳۹۵، ۱۳ شهریور). تحلیل گفتمان شبکه‌های اجتماعی/شبکه‌های اجتماعی آیین فضایی اجتماعی. کدخبر: ۳۷۵۸۹۴۳.
- خجسته مهر، رضا؛ پارسی، احسان و شیرالی نیا، خدیجه. (۱۳۹۴). نقش تعدیل کننده هیجان مثبت در رابطه بین هیجان منفی و تبادلات زناشویی مخرب در زنان. *فصلنامه روان‌شناسی خانواده*، ۲(۱)، ۴۹-۵۸.
- خسروی، زهره؛ بلیاد، محمدرضا؛ ناهیدپور، فرزانه و آزادی، شهدخت. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی در زوج‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر کرج. *فصلنامه جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه)*، ۲(۳)، ۶۱-۷۹.
- دلاور، علی. (۱۳۹۴). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات ویرایش.
- دوستی، پیمان و محقق، حسین. (۱۳۹۴). رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر تعارضات زناشویی. در مجموعه *مقالات همایش بین‌المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی*. استانبول، موسسه سفیران فرهنگی مبین.
- ذاکری، محمدمهدی و رضایور، رویا. (۱۳۹۶). *چالش‌ها و تهدیدهای نظام خانواده در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی*. تهران: انتشارات آکادمیک.
- زرگر، یدالله؛ داودی، ایران؛ احمدی، وحید و میرشکار، ساره. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه مقیاس خودشیفتگی و رابطه با جنسیت و تحصیلات. *مجله روان‌پوشش*، ۱(۲)، ۱۱۴-۱۲۷.
- کیا، علی اصغر و نوری مرادآبادی، یونس. (۱۳۹۱). عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به شبکه اجتماعی فیس‌بوک (بررسی تطبیقی دانشجویان ایران و آمریکا). *فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۳(۱۷)، ۱۸۱-۲۱۲.
- محمدزاده، علی. (۱۳۸۸). اعتبارسنجی پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI-16) در جامعه ایرانی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۱(۴)، ۲۷۴-۲۸۱.
- مظاهری، محمدعلی و پوراعتماد، حمیدرضا. (۱۳۸۰). *مقیاس باورهای ارتباطی*. چاپ‌نشده. پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- هارجی، اون؛ ساندز، کریستین و دیکسون، دیوید. (۲۰۰۷). *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*. ترجمه مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی (۱۳۹۰). تهران: انتشارات رشد.

یزدخواستی، فریبا. (۱۳۸۹). رابطه ادراک تعامل اجتماعی با خطرپذیری و مهار خشم در دانشجویان. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی*، ۷(۲۶)، ۱۸۷-۱۹۱.

- Ames, D. R., Rose, P., & Anderson, C. P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of Research in Personality*, 40(4), 440-450.
- Amichai-Hamburger, Y., & Vinitzky, G. (2010). Social network use and personality. *Computers in Human Behavior*, 26(6), 1289-1295.
- Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1), 210-230.
- Brunell, A. B., Campbell, W. K., Smith, L., & Krusemark, E. A. (2004, February). *Why do people date narcissists? A narrative study*. Poster session presented at the annual meeting of the Society for Personality and Social Psychology, Austin, TX.
- Bushman, B. J., & Baumeister, R. F. (1998). Threatened egotism, narcissism, self-esteem, and direct and displaced aggression: Does self-love or self-hate lead to violence?. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75(1), 219-229.
- Campbell, W. K., & Foster, C. A. (2002). Narcissism and commitment in romantic relationships: An investment model analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28(4), 484-495.
- Ellison, N. B., Steinfield, C., & Lampe, C. (2007). The benefits of Facebook "friends": Social capital and college students' use of online social network sites. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 12(4), 1143-1168.
- Falahi, K. A., Atif, Y., & Elnaffar, S. (2010). Social networks: Challenges and new opportunities. In *Proceedings of the 2010 IEEE/ACM Int'l Conference on Green Computing and Communications & Int'l Conference on Cyber, Physical and Social Computing* (pp. 804-808). Washington, DC: IEEE Computer Society.
- Fitzgibbon, B. M., Giummarra, M. J., Georgiou-Karistianis, N., Enticott, P. G., & Bradshaw, J. L. (2010). Shared pain: From empathy to synaesthesia. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 34(4), 500-512.
- Gable, S. L., Reis, H. T., Impett, E. A., & Asher, E. R. (2004). What do you do when things go right? The intrapersonal and interpersonal benefits of sharing positive events. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87(2), 228-245.
- Huang, R. L., Lu, Z., Liu, J. J., You, Y. M., Pan, Z. Q., Wei, Z., ... & Wang, Z. Z. (2009). Features and predictors of problematic internet use in Chinese college students. *Behavior & Information Technology*, 28(5), 485-490.
- Hughes, D. J., Rowe, M., Batey, M., & Lee, A. (2012). A tale of two sites: Twitter vs. Facebook and the personality predictors of social media usage. *Computers in Human Behavior*, 28(2), 561-569.
- Isen, A. M., & Reeve, J. (2005). The influence of positive affect on intrinsic and extrinsic motivation: Facilitating enjoyment of play, responsible work behavior, and self-control. *Motivation and Emotion*, 29(4), 297-325.
- KayedKhordeh, H., Parsamanesh, M., AminZadeh, H., & Karamynorouzi, A. (2014). Analyzing the relationship between family functioning and ego resiliency with general health in women suffering from cancer. *Journal of Educational and Management Studies*, 4(2), 265-268.

- Kerkhof, P., Finkenauer, C., & Muusses, L. D. (2011). Relational consequences of compulsive Internet use: A longitudinal study among newlyweds. *Human Communication Research*, 37(2), 147-173.
- Larsen, G., Lawson, R., & Todd, S. (2009). The consumption of music as self-representation in social interaction. *Australasian Marketing Journal (AMJ)*, 17(1), 16-26.
- Miller, J. D., Campbell, W. K., & Pilkonis, P. A. (2007). Narcissistic personality disorder: Relations with distress and functional impairment. *Comprehensive Psychiatry*, 48(2), 170-177.
- Moore, K., & McElroy, J. C. (2012). The influence of personality on Facebook usage, wall postings, and regret. *Computers in Human Behavior*, 28(1), 267-274.
- Müller, K. W., Glaesmer, H., Brähler, E., Woelfling, K., & Beutel, M. E. (2014). Prevalence of Internet addiction in the general population: Results from a German population-based survey. *Behaviour & Information Technology*, 33(7), 757-766.
- Ogrodniczuk, J. S., Piper, W. E., Joyce, A. S., Steinberg, P. I., & Duggal, S. (2009). Interpersonal problems associated with narcissism among psychiatric outpatients. *Journal of Psychiatric Research*, 43(9), 837-842.
- O'Leary, K. D., & Turkewitz, H. (1981). A comparative outcome study of behavioral marital therapy and communication therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 7(2), 159-169.
- Oltmanns, T. F., Friedman, J. N.W., Fiedler, E. R., & Turkheimer, E. (2004). Perceptions of people with personality disorders based on thin slices of behavior. *Journal of Research in Personality*, 38, 216-229.
- Paulhus, D. L. (1998). Interpersonal and intrapsychic adaptiveness of trait self-enhancement: A mixed blessing?. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74(5), 1208.
- Russ, E., Shedler, J., Bradley, R., & Westen, D. (2008). Refining the construct of narcissistic personality disorder: Diagnostic criteria and subtypes. *American Journal of Psychiatry*, 165(11), 1473-1481.
- Ryan, T., & Xenos, S. (2011). Who uses Facebook? An investigation into the relationship between the Big Five, shyness, narcissism, loneliness, and Facebook usage. *Computers in Human Behavior*, 27(5), 1658-1664.
- Schmitt, D. P., & Buss, D. M. (2001). Human mate poaching: Tactics and temptations for infiltrating existing mateships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 80(6), 894-917.
- Smock, A. D., Ellison, N. B., Lampe, C., & Wohn, D. Y. (2011). Facebook as a toolkit: A uses and gratification approach to unbundling feature use. *Computers in Human Behavior*, 27(6), 2322-2329.
- Strelan, P. (2007). Who forgives others, themselves, and situations? The roles of narcissism, guilt, self-esteem, and agreeableness. *Personality and Individual Differences*, 42(2), 259-269.
- Wallace, H. M., & Baumeister, R. F. (2002). The performance of narcissists rises and falls with perceived opportunity for glory. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82(5), 819-834.

- Yazdkhasti, F. (2011). The relation between perception of social interaction with risk taking and anger control in university students. *Developmental Psychology*, 7(26), 187-191.
- Young, K. S., & Rogers, R. C. (1998). The relationship between depression and Internet addiction. *CyberPsychology & Behavior*, 1(1), 25-28.

